

رویکرد دینی به گروه و فعالیت گروهی

عباس شفیعی*

چکیده

گروه به مجموعه‌ای از افراد انسانی اطلاق می‌گردد که با هم تعامل داشته و بر یکدیگر تأثیر گذارند، گروه برای افراد مفید بوده و تا حدود زیادی بر روی افراد و نوع کارکرد آنها مؤثر است، در رویکرد دینی، فعالیت گروهی و گرایش افراد به گروه امری اجتناب‌ناپذیر معرفی شده، بدین معنا که کشش گروهی در نهاد آدمی به ودیعه گذاشته شده و آمیان در سرشت انسانی خویش میل به گروه و کار گروهی دارند، در گستره فعالیت گروهی گاهی باورهای مشترک دینی از تقدس خاصی برخوردار شده و محور همه فعالیت‌های گروهی می‌گردد. بدین معنا که انسان‌های مؤمن در دالان ارزش‌ها به مفاهیم ایمانی و اعتقادی، بیشترین بها را داده و روابط اجتماعی خویش را در راستای حفظ نظام اجتماعی تنظیم می‌کنند. شاید بتوان گفت که گروه‌های انصار و مهاجران از این خصیصه برخوردار بوده و محور روابط خویش را خشنودی و رضایت خداوند در نظر می‌گرفتند؛ از این رو، می‌توان آنها را به عنوان الگوهای عملی گروه‌های اسلامی معرفی کرده و خط‌مشی کلی و خطوط اساسی همه گروه‌ها در جوامع اسلامی را بر اساس الگوهای قرآنی مهاجر و انصار تنظیم و تدوین کرد.

* عضو گروه مدیریت پژوهشگاه حوزه و دانشگاه و مدرس دانشگاه.

واژه‌های کلیدی: گروه،^۱ رویکرد دینی،^۲ فعالیت گروهی،^۳ روابط اجتماعی،^۴ گروه‌های اسلامی،^۵ ارزش‌های دینی.^۶

مقدمه

به طور کلی در هر جامعه‌ای به فراخور فرهنگ و الگوهای اعتقادی آن، روابط اجتماعی تنظیم گشته و افراد در گروه‌ها و تشکلهای اجتماعی به فعالیت می‌پردازند، گرایش افراد به گروه و کار گروهی امری بدیهی و فطری در نظر گرفته شده و در واقع فعالیت گروهی در سرشت آدمی به ودیعه نهاده شده است. عامل اساسی در جذب انسان‌ها به گروه و فعالیت گروهی در آینه آموزه‌های دینی چیست و رویکرد دینی به فعالیت گروهی چه می‌تواند باشد؟

مقاله حاضر عهده‌دار پاسخ به سؤالات فوق است.

مفهوم گروه و اهمیت آن از دریچه نگرش دینی و ارتباط گروه با ارزش‌ها، سازمان و نیازهای فردی انسان‌ها از موضوعات مطرح در اینجا بوده که نهایتاً به گروه و فعالیت گروهی از منظر دینی نگریسته شده و گروه‌های اسلامی مهاجر و انصار به عنوان الگوهای عملی دینی معرفی گردیده است.

تعریف گروه و ویژگی‌های آن

برای گروه تعاریف متعددی ذکر شده که بیانگر نگرش‌های مختلف اندیشمندان در مورد این پدیده اجتماعی است، «دانشمندان اجتماعی، گروه را مجموعه‌ای از دو نفر یا بیشتر دانسته که اعضا با هم تعامل داشته و یک الگوی ثابت ارتباطی میانشان وجود داشته، دارای اهداف مشترک بوده و خود را به عنوان یک گروه تلقی می‌کنند».^۷

براساس این تعریف، یکی از ویژگی‌های گروه آن است که از دو یا بیشتر افراد انسانی که با هم تعامل اجتماعی دارند، تشکیل شده باشد، تعامل میان افراد به گونه است که اعضای گروه بر همدیگر تأثیرگذارند، تعامل درون بخش‌ها ممکن است شفاهی یا

1. Group.

2. Religious Approach.

3. Group Activity.

4. Social Relations.

5. Islamic groups.

6. Religious Values.

7. Barónm, A. Robert and Greenberg, Jerald Behavior in organizations, P. 260.

غیرشفاهی باشد.

دومین ویژگی گروه علاوه بر داشتن تعامل اجتماعی، باید یک ساختار ثابت داشته باشد اگر چه گروه‌ها می‌توانند و معمولاً تغییر می‌یابند، مع‌الوصف باید روابط ثابت میان اعضایی باشد که یک گروه را با هم نگه می‌دارند و به عنوان یک بخش واحد عمل می‌کنند؛ از این رو، افرادی که به طور تدریجی تغییر می‌یابند نمی‌توانند به عنوان یک گروه تصور شوند، برای تحقق یک گروه، مقدار زیادی ثبات لازم است.

سومین ویژگی گروه آن است که با هم یک هدف مشترک دارند. گروه‌ها معمولاً به خاطر برخی از منافع عمومی یا اهدافی که افراد به تنهایی نمی‌توانند به آن دست یابند، تشکیل می‌شوند.

چهارمین ویژگی اینکه برای درست شدن یک گروه، اعضا باید خودشان را به عنوان یک گروه حس کنند. گروه‌ها از افرادی تشکیل می‌شوند که هم‌دیگر را به عنوان عضو گروه می‌شناسند و می‌توانند این اعضا را از دیگران متمایز سازند.^۱

بر اساس نوشته‌های پیشین، هر گروهی دارای چهار ویژگی است که عبارتند از:

۱. افراد انسانی که با هم تعامل اجتماعی تأثیرگذار دارند؛
۲. یک گروه دارای ساختار ثابت است بدین معنا که روابط ثابت میان اعضا، آنان را به عنوان یک گروه نگه می‌دارد.

۳. آنان دارای اهداف یا منافع مشترکی اند که به تنهایی و بدون پیوستن به گروه نمی‌توانند به آن مقاصد نایل آیند.

۴. افراد یک گروه خود را به عنوان عضو گروه حس کرده و می‌شناسند، بدین معنا که اعضا را از یکدیگر متمایز می‌دانند.

«شرمرهورن»^۲ نیز تعریفی از گروه ارائه کرده که به برخی از ویژگی‌ها اشاره دارد، وی می‌نویسد: تعریف رسمی گروه عبارت است از: اجتماع دو یا چند نفر که برای دستیابی به یک یا چند هدف مشترک فعالیت می‌کنند.^۳

بر اساس این تعریف، گروه بیش از تجمع افراد است، بدینسان در یک گروه واقعی، اعضا خودشان را برای رسیدن به اهدافشان وابسته به یکدیگر دانسته و برای تعقیب

1. C. E. Ibid; P. 261.

2. Schermerhorn.

3. Schermerhorn R. John. James G. Hunt, Richard N. Osborn; Organizational Behavior P.1>4.

اهداف پیوسته با هم تعامل دارند، طبیعی است که در این تعامل، تأثیر و تأثر بین افراد نهفته خواهد بود.

از این رو، به طور کلی گروه‌ها برای افراد مفید خواهند بود، آنان خلاقیت را بهبود بخشیده و در پاره‌ای از اوقات تصمیمات بهتری می‌گیرند، گروه‌ها عمدتاً می‌توانند تعهد به تصمیمات را افزایش داده و کنترل زیادی بر افراد داشته و عوارض منفی سازمان‌های بزرگ را خنثی سازند.^۱

اهمیت گروه‌ها

هر یک از انسان‌ها ممکن است به گروه‌های متعددی مانند یک خانواده، گروه مذهبی و تیم ورزشی و یا انجمن دوستی و گروه تحقیقاتی و علمی وابسته باشد. برای شناخت رفتار اشخاص در گروه‌ها لازم است ابتدا نیروهایی که بر آنان اثر می‌گذارند و نیز راه‌های اثرگذاری افراد بر گروه‌ها و سازمان‌ها شناخته شوند، چرا که اقدامات گروه‌ها به شدت تحت تأثیر رفتار یکایک اعضا فرار دارد، برای مثال ملحق شدن یک بازیکن برجسته به تیم فوتبال «A» ممکن است به معنای تبدیل آن تیم به تیم قهرمان باشد؛ از سوی دیگر، گروه نیز می‌تواند بر روی اعضای خود تأثیر متقابل داشته باشد؛ برای مثال، اگر یکی از اعضای گروه تحقیقاتی به خاطر اعتراض به محیط کاری یا پرداخت حقوق و نحوه قرارداد با گروه هماهنگ عمل نکند، ممکن است موجب قهر گروه قرار گرفته و طرد شود. در این زمینه می‌توان به موارد زیادی در سازمان اشاره کرد، برای مثال در یکی از مراکز تحقیقاتی کشورمان یکی از سرپرستان گروه‌ها به دلیل اینکه با گروه هماهنگ عمل ننموده و هنجارها و استانداردهای مورد نظر گروه را رعایت نکرده، پذیرش گروهی وی کم‌رنگ شده و به تدریج زمینه برکناری او فراهم گردید؛ این در حالی بود که مدیران ارشد از او حمایت می‌کردند. نکته دیگر اینکه مدیران گروه‌ها از طریق گروه کاری می‌توانند در جهت اجرای اهداف سازمان برآمده و مراودات بین گروه‌ها را هدایت و هماهنگ سازند، طبیعی است که برای بهبودی و مدیریت اثربخش گروه‌ها لازم است مدیران به نیازهای فردی و پویایی‌های بین افراد آگاهی داشته باشند. از این رو، به طور کلی اهمیت گروه‌ها در تأثیرگذاری آنها بر افراد و نیز انجام برخی از فعالیت‌هایی است که

1. C. F. Ibid. P. 1 > 5.

فرد به تنهایی نمی‌تواند انجام دهد؛ علاوه بر این، گروه می‌تواند برای سازمان نیز مفید بوده و سازمان را در جهت نیل به اهدافش یاری بخشد. بنابراین، گروه‌ها هم به مقاصد فردی و هم مقاصد سازمانی کمک نموده و نیل به اهداف را تسهیل می‌بخشند، تنها مشکلی که وجود دارد ممکن است بین هدف اجتماعی و فردی تضاد ایجاد شود. مشکل دیگر اینکه ممکن است اهداف هر یک از اعضای گروه با دیگری در تداخل باشد، برای مثال یکی رضایت شغلی را و دیگری نیاز به قدرت را مدنظر قرار دهد.^۱

در چنین مواردی مدیر گروه با بهره‌گیری از تکنیک‌های رهبری و سبک‌های مختلف رفتاری می‌تواند مشکلات گروهی را حل کرده و منافع فردی و گروهی را با هم همسو سازد.

گروه‌ها و توسعه ارزش‌های الهی

در ادوار مختلف تاریخ بشری نقش گروه‌ها و قبایل در توسعه و بسط ارزش‌های الهی انکارناپذیر بوده و نمی‌توان آن را نادیده گرفت، در کنار هر یک از انبیای الهی، گروه‌های مؤمنی بودند که از ایده و آرمان‌های الهی حمایت و پشتیبانی می‌کردند؛ پیروان حضرت نوح(ع)، حواریون حضرت عیسی(ع) و قوم بنی‌اسرائیل عصر حضرت موسی(ع) و انصار و مهاجرین زمان حضرت محمد(ص) از جمله این گروه‌ها است، اما به‌طور مشخص گروه‌های کوچک‌تری نیز بودند که در توسعه ارزش‌های الهی در عصر پیامبر اسلام(ص) ایفای نقش کردند، برای مثال پذیرش اسلام به وسیله گروه ۶ نفری یا ۱۲ نفری از مدینه، تأثیر زیادی در توسعه و گسترش اسلام در یثرب داشت.

«در سال یازدهم بعثت، رسول خدا(ص) در موسم حج در عقبه «منی» با گروهی از مردم یثرب ملاقات کرد و از ایشان پرسید: شما که هستید؟ گفتند: مردمی از قبیله خزرج. گفت: از هم‌پیمانان یهود؟ گفتند: آری. گفت: نمی‌نشینید تا با هم صحبت کنیم؟ گفتند: چرا. پس با رسول خدا(ص) بنشستند و اسلام را بر آنان عرضه داشت و قرآن را برایشان تلاوت کرد... [گروه یثربی] پس از شنیدن دعوت رسول خدا(ص) به یکدیگر گفتند: به خدا قسم این همان پیامبری است که یهودیان ما را از بعثت او بیم می‌دادند، نباید در ایمان به وی بر ما پیش‌دستی کنند، سپس دعوت رسول خدا(ص) را اجابت کردند و

1. Huczynski, Anderzej, A. and David A. Buchanan; organizational Behavior . P. 166.

اسلام آوردند و گفتند: ما قوم خود را در حال دشمنی و گیرودار جنگ گذاشته‌ایم و امیدواریم که خدا به وسیله تو آنان را با هم الفت دهد، اکنون ما به یثرب باز می‌گردیم و آنان را به اسلام دعوت می‌کنیم، باشد که خدا به این دین هدایتشان کند و در آن صورت بسی عزیز و نیرومند خواهی بود.^۱

«ابن اسحاق» می‌نویسد: این گروه، شش نفر بودند که به یثرب بازگشتند و امر رسول خدا(ص) را با مردم در میان گذاشتند و آنان را به اسلام دعوت کردند و چیزی نگذشت که اسلام در یثرب گسترش یافت و خانه‌ای از خانه‌های انصار باقی نماند که صحبتی از رسول خدا(ص) در آن نباشد، یکی دیگر از گروه‌ها که در توسعه ارزش‌های اسلامی نقش مهمی ایفا نمودند گروه ۱۲ نفری از انصار بود.^۲ در سال دوازدهم بعثت دوازده نفر از انصار در موسم حج با رسول خدا(ص) بیعت کردند، این گروه که با رسول خدا(ص) به «بیعت نساء»^۳ دست دادند ملنزم شدند که:

۱. برای خدا شریکی قرار ندهند؛ ۲. دزدی نکنند؛ ۳. زنا نکنند؛ ۴. فرزندان خویش را نکشند؛ ۵. بهتان نوزند؛ ۶. در کار نیک با رسول خدا(ص) نافرمانی نکنند؛ گروه ۱۲ نفری پس از انجام بیعت به مدینه بازگشتند و رسول خدا(ص) مصعب بن عمیر را همراهشان به مدینه فرستاد تا به هر کس که مسلمان شد، قرآن بیاموزد... مصعب برای مسلمانان مدینه پیشنمازی می‌کرد.^۴

هم‌چنانکه مشاهده می‌شود گروه‌ها در گسترش ارزش‌های دینی و الهی در دوره‌های نخستین تمدن اسلامی نقش مهمی ایفا نموده‌اند همان‌طور که نمی‌توان نقش آنان را در شکل‌گیری ارزش‌های شیعی و شکل‌گیری تشیع نادیده گرفت، برای مثال موضع‌خواص بزرگان انصار و بزرگانی از مهاجران نخستین، اعتقاد به امامت و رهبری عقیدتی و عملی علی(ع) و اهل بیت(ع) بود که هسته اولیه تشیع را تشکیل می‌دادند. «در این میان نظرگاه عمار و مقداد و ابوذر و خصوصاً سلمان با دیگران تفاوت داشت؛ زیرا آنان نه تنها

۱. محمد ابراهیم آبتی، تاریخ پیامبر اسلام، ص ۱۷۸ و ۱۷۹.

۲. ابن هشام، السیرة النبویة، ج ۲، ص ۳۸.

۳. بیعت نساء به دو روش انجام می‌شد: ۱. ظرف آبی را که پر از آب بوده، در کنار رسول خدا(ص) قرار می‌دادند و در حالی که دست مبارک آن حضرت در آب بود دیگران یکی یکی دست در ظرف نموده و بدینسان بیعت صورت می‌گرفت. ۲. روش دیگر اینکه پارچه‌ای را بر روی دست رسول خدا(ص) قرار داده و افراد دست خود را بر آن پارچه می‌کشیدند و بدین صورت بیعت می‌کردند.

۴. محمد ابراهیم آبتی، همان، ص ۱۸۲ و ۱۸۳.

شخصیت ممتازی در بین صحابه داشتند، بلکه بین آنان و پیامبر(ص) رابطه و صمیمیتی خاص وجود داشت و رسول خدا(ص) بارها مقام دینی، ایمانی و مشی آنان را ستوده و تأیید کرده بود. همین [گروه] چهار صحابه به علت دفاع سرسختانه عقیدتی و عملی از اهل بیت(ع) و علی(ع) از زمان پیامبر(ص) و پس از او به دوستی علی(ع) مشهور بودند و از دیگران گسستند و به وی پیوسته و او را پیشوا و راهنمای خود ساختند و در تشیع اسلام پیشگام بودند.^۱ هم چنانکه دیده می شود، گروه‌ها نقش اساسی در توسعه و بسط ارزش‌های الهی و حتی در تکوین مکاتب ارزشی و دینی ایفا می کردند.

گروه‌ها و سازمان

معمولاً هر سازمان از گروه‌ها و دوایری تشکیل یافته که هر کدام از آنها خرده سیستمی در ابرسیستم سازمان محسوب می شوند؛ به عبارت دیگر، سازمان از گروه‌های متداخل درست شده که موفقیت آنها در دستیابی سازمان به اهدافش تأثیرگذار است، چراکه «گروه‌ها می توانند به سازمان در انجام موفقیت آمیز کارهای مهم کمک کنند، به ویژه گروه‌ها استعداد «هم نیروزایی»^۲ را فراهم می آورند «سینرژی» [هم نیروزایی] عبارت از ایجاد یک کلی است که بزرگتر از جمع اجزای تشکیل دهنده آن است، هنگامی که «سینرژی» رخ می دهد، گروه‌ها بیش از جمع توانایی‌های تک تک اعضای خود کار انجام می دهند».^۳ بنابراین، گروه‌ها برای سازمان‌ها مفید می باشند؛ چه اینکه به وسیله گروه‌ها می توان کارهای پیچیده را انجام داد و نیروی کار با کیفیت عالی را حفظ و نگهداری کرد، مدیران می توانند به روش‌های مختلف از گروه‌ها استفاده کنند، برای مثال در محیط‌های کار جدید از گروه‌ها به طریق مولد و خلاق می توان مدد گرفت.

مدیران سازمان‌ها در تلاشند که از طریق استفاده اثربخش از گروه‌ها به عنوان منابع انسانی سازمان، منافع زیادی را به دست آورند، چراکه کار گروهی نسبت به کار فردی بهتر بوده و از مزیت‌هایی برخوردار است.

«هنگامی که کارشناس مطمئنی وجود ندارد به نظر می رسد که قضاوت گروهی بهتر از قضاوت شخصی است؛ هنگامی که حل مسئله از طریق تقسیم کار و تبادل اطلاعات

۱. اصغر منتظر النائم، نقش فبایل یعنی در حمایت از اهل بیت، ص ۱۳۰.

2. Synergy.

3. Selmerhorn R. John, and others: Organizational Behavior P. 1 > 5.

ممکن می‌باشد، گروه‌ها نوعاً موفق‌تر از افراد عمل می‌کنند، گروه‌ها به دلیل تمایل‌شان به گرفتن تصمیم‌های مخاطره‌آمیز می‌توانند خلاق‌تر و نوآورتر از افراد در انجام کارهایشان باشند»^۱.

گروه‌ها و نیازهای فردی

به طور کلی یکی از عوامل مهم عضویت فرد در گروه، رفع نیازهای فردی و حل مسائل و مشکلات او است؛ علاوه بر این، در گروه افراد به مهارت‌های کاری دست یافته، بین گروه و اعضا، مهارت‌های کاری و دانش فنی مبادله شده و در اثر مبادله این دو، مسائل دشوار و پیچیده حل می‌شوند؛ افزون بر این، نحوه رفتار گروه در محیط کار، الگویی برای کنش اجتماعی اشخاص می‌گردد. از این رو، گروه می‌تواند اعضای خود را در جهت کسب شایستگی‌های کاری یاری داده و حتی کمبودهای اعضا را جبران سازد.

از سوی دیگر، اعضای گروه انتظارات خود را از عملکرد شغلی به یکدیگر منتقل ساخته و از این رهگذر بر نگرش‌های یکدیگر اثر گذاشته و در جریان این اثرگذاری از گروه انتظارات زیادی دارند، «شاید مهم‌ترین کارکرد گروه‌ها توانشان در ارضای نیازهای اعضای خود باشد، گروه‌ها زمینه تعامل‌های اجتماعی و شکوفایی روابط متقابل شخصی را فراهم می‌آورند. گروه می‌تواند امنیت فردی را در شکل کمک مستقیم در کار یا توصیه فنی یا فراهم آوردن حمایت احساسی در زمان بحران یا فشار کار فراهم آورد، گروه‌ها هم‌چنین به اعضای خود هویت بخشیده و فرصت‌هایی را برای بروز استعدادها و خود در کمک به فعالیت‌های گروهی ایجاد می‌کنند»^۲.

نکته قابل توجه اینکه از طریق کار گروهی، اعضا می‌توانند در یادگیری مهارت‌های یکدیگر مشارکت کرده و مؤثر عمل کنند.

در یک تیم کاری خوب و پویا، اعضا برای حمایت، تشویق و بازخور عملکرد به یکدیگر سریع هستند، شاید بدین خاطر باشد که آنان مهارت‌های شغلی کسب نموده و ضعف برنامه‌های آموزشی سازمان نیز از این طریق برطرف می‌شود. از این رو، گردآوری مهارت‌ها و دانش کاری می‌تواند عامل مهمی در حل مسائل و مشکلات منحصر به فرد باشد «از سوی دیگر نحوه رفتار اعضا می‌تواند الگوی مثبت یا منفی برای تازه واردان در

۱. علی رضائیان، مدیریت رفتار سازمانی، ص ۲۲۱. ۲. همان.

گروه محسوب شود. طبیعی است که مدیران علاقه دارند تمامی تأثیرات گروه‌ها در افراد مثبت و حمایت‌کننده اهداف سازمان باشد.^۱

از آنچه ذکر شد مشخص می‌شود که گروه، نیازهای فردی اعضای خویش را برطرف نموده و آنان را در جهت رشد و بالندگی یاری می‌کنند و شاید همین مسائل باعث گرایش افراد به گروه‌ها و تشکیل گروه از ناحیه آنان باشد.

رویکرد اسلام به گروه و فعالیت گروهی

وقتی سخن از گروه و فعالیت گروهی به میان می‌آید بلادرنگ اذهان آدمی به سوی جنبه اجتماعی زندگی انسان سوگیری می‌کند. شاید بتوان گفت که انگیزه‌های اجتماعی مشترک، بشر امروزی را وارد عرصه فعالیت گروهی نموده است، در بررسی آموزه‌های دینی، نخستین عامل زندگی اجتماعی انسان‌ها، نیازهای روانی - زیستی آدمیان در قالب گروه خانواده است؛ خانواده، اولین هسته تشکیل‌گروه بوده که با احساس نیاز زن و مرد به یکدیگر به وجود آمده و در پی آن توسعه پیدا کرده است.

قرآن در باره تشکیل هسته خانواده و احساس آرامش حاصل از روابط متقابل در آن سخن گفته و این مهم را از جمله آیات و نشانه‌های خداوند برمی‌شمرد. آنجا که می‌فرماید: «وَمِنْ آيَاتِهِ أَنْ خَلَقَ لَكُمْ مِنْ أَنْفُسِكُمْ أَزْوَاجًا لِتَسْكُنُوا إِلَيْهَا وَجَعَلَ بَيْنَكُمْ مَوَدَّةً وَرَحْمَةً إِنَّ فِي ذَلِكَ لآيَاتٍ لِقَوْمٍ يَتَفَكَّرُونَ».^۲

«از نشانه‌های اوست که همسرانی از جنس خودتان برایتان آفرید تا به آنها آرام گیرید و در میانتان دوستی و مهربانی به وجود آورد، به راستی که این عبرتی است برای آنان که می‌اندیشند».

بعد از تشکیل هسته اصلی خانواده با تولید فرزندان، عواطف متقابل اعضای خانواده نسبت به هم زیادگشته و گروه کوچک جامعه به حیات خود ادامه می‌دهد، در این عرصه روابط سببی و نسبی حاکم شده تا بقای گروه تضمین گردد. قرآن می‌فرماید: «وَهُوَ الَّذِي خَلَقَ مِنَ الْمَاءِ بَشَرًا فَجَعَلَهُ نَسَبًا وَصِهْرًا وَكَانَ رَبُّكَ قَدِيرًا».^۳

«اوست که بشر را از آب آفرید و برای او نسب و سبب قرار داد، پروردگار تو تواناست».

1. Schermerhorn R. John. and others; Organizational Behavior P. 1 > 6.

۳. فرقان (۲۵) آیه ۵۴.

۲. روم (۳۰) آیه ۲۱.

با توجه به آیات فوق، علت اصلی گرایش افراد به فعالیت و رفتار گروهی در ماهیت آدمی نهفته است، احساس نیاز آدمیان به یکدیگر و وجود زمینه‌هایی در آنها برای گرایش آنان به فعالیت گروهی که به صورت موهبت الهی در ساخت خلقت بشر بسترسازی شده، پیوستگی آنان به اجتماعات انسانی و در یک کلام تشکیل گروه یا گروه‌هایی را از ناحیه آنان توجیه می‌سازد. از سوی دیگر، تشکل گروه‌ها و وجود شعبه‌ها و قبیله‌های بشری، موجب استمرار نظام اجتماعی و انجام بهتر روابط گروهی و فعالیت‌های سازمانی است، به عبارت دیگر، وجود قبیله‌ها و شعب در ساختار اجتماعی بشر برای ایجاد اختلاف طبقاتی نیست، بلکه وجود آنها زمینه‌ساز تسهیل روابط اجتماع و شناخت استعدادها و نیروهای بالقوه آدمی است که برای بقا نوع انسانی ضرورت دارد. قرآن کریم با الغای مطلق برتری بین انسان‌ها، تشکل‌های گروهی و قبیله‌ای را سبب شناخت آدمیان و گروه‌ها از یکدیگر دانسته و برتری را در تقوای الهی خلاصه می‌کند. آنجا که می‌فرماید:

«یا ایها الناس انا خلقناکم من ذکرٍ و اُنثی و جعلناکم شعوباً و قبائل لیتعارفوا ان اکرمکم عندالله اتقیکم»^۱.

«ای مردم ما شما را از مرد و زنی آفریدیم و شما را دسته‌ها | گروه‌ها | و قبیله‌هایی کردیم تا یکدیگر را بشناسید همانا گرامی‌ترین شما نزد خدا، پرهیزکارترین شماست». حفظ نظام اجتماعی برای نگهداری رشته انسانیت، غرض اصلی و عامل اساسی در تشکل‌های مردمی بوده و وابستگی و تعلق خاطر افراد به گروه‌ها در بستر روابط اجتماعی تفسیر و تعبیر می‌گردد. *گاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی*

یکی از عوامل مهم اجتماعی و دل‌بستگی افراد به گروه‌ها را می‌توان در حمایت گروه از افراد دانست، بدین معنا که آدمیان از طریق گروه‌ها قدرت و نیرو گرفته و احساس امنیت می‌کنند، در قرآن کریم مواردی یافت می‌شود که انسان‌ها در حالات دفاع یا حمله به دیگران بر پشتیبانی و حمایت گروه تأکید کرده و آن را مانع جدی حملات دانسته‌اند، برای مثال قرآن وقتی داستان حضرت شعیب (ع) را ذکر می‌کند از زبان دشمنان آن حضرت، پشتیبانی قبیله‌اش را مانع نابودی و تعرض به وی بیان می‌دارد.

«قالوا یا شعیب ما نثقک کثیراً مما تقول و انا لئنیک فینا ضعیفاً و لولا رَهْطُک لَرَجَمناک و ما ائت علینا بعزیز»^۲.

۱. هود (۱۱) آیه ۹۱.

۲. حجرات (۴۹) آیه ۱۳.

«گفتند ای شعیب بسیاری از گفته‌هایت را نمی‌فهمیم و در میان خود، تو را ناتوان می‌بینیم و اگر به احترام قبیله‌ات نبود سنگسارت می‌کردیم و تو در برابر ما قدرتی نداری».

چنانچه دیده می‌شود گروه و قبیله حضرت شعیب (ع) مانع تعرض به آن حضرت می‌شود.

یکی دیگر از عوامل مهم تعلق و وابستگی افراد به گروه‌ها، ارزش‌ها، باورها و اعتقادات مشترک است؛ تأثیر باورهای دینی در همراهی انسان‌ها با گروه‌ها چنان شدت دارد که رهبر یک گروه به منزله پدر معنوی اعضا است، چنانچه پیامبر اسلام می‌فرماید: «أَنَا وَ عَلِيٌّ ابَا هَذِهِ الْأُمَّةِ؛^۱ من و علی پدران این امت [اسلام] هستیم».

از سوی دیگر، باورها و اعتقادات مشترک انسان‌های متفاوت نژادی را در یک گروه گردآورده و آنان را برادر یکدیگر می‌شمارد و حتی افراد به دلیل تعلق اعتقادی و ایمانی در یک گروه، گاهی در برابر خویشاوندان [پدر و برادر نسبی خویش] جبهه‌گیری می‌کنند.

حضرت علی (ع) تأثیر ایمان و باور دینی در رفتارها و فعالیت‌های گروهی و ایجاد همبستگی بین آنان در برابر دیگران و جبهه‌گیری در مقابل آنها را به تصویر کشیده و می‌فرماید:

«و لقد كنا مع رسول الله (ص) نقتل آباءنا و ابنائنا و إخواننا و أعمامنا ما يزيدنا ذلك إلا إيماناً و تسليماً و مضياً على اللقم».^۲

«هر آینه ما با رسول خدا (ص) بودیم که پدران و فرزندان و برادران و عموهایمان را (در راه اعتلای دین) به قتل رسانیدیم که این کار جز این نبود که ایمانمان و تسلیم شدن ما را (در برابر اراده حق) و شکیبایی و گذشتن ما را از راه وسیع حق افزون می‌ساخت».

از سخنان گرانمایه حضرت علی (ع) بر می‌آید که باورها و اعتقادات مشترک از جمله مهم‌ترین عوامل وابستگی و تعلق خاطر افراد در گروه‌های اسلامی است و اساساً فعالیت‌های گروهی مسلمانان در دالان باورهای مشترک توجیه و تفسیر می‌شوند. از این‌رو در گروه‌هایی که اهداف دینی و باورهای ایمانی وجود دارد، همبستگی بین اعضای گروه زیاد است؛ با این نگرش، هرچه درجه ایمان افراد بالاتر باشد، آنان اهداف

۱. بحار الانوار، ج ۱۶، ص ۹۵.

۲. نهج البلاغه، خطبه ۵۷.

شخصی را کم‌تر در نظر گرفته و حتی ممکن است مهم‌ترین علایق فردی را کنار گذاشته و برای وصول به اهداف گروهی و ایمانی فعالیت نموده و جان‌فشانی کنند، نمونه عینی آن حنظله «غسیل الملائکه» است، وی در نخستین روز ازدواج، حجله خود را رها کرده و به گروه مجاهدین می‌پیوندد و نهایتاً به شهادت می‌رسد.

برخی دیگر از اعضای گروه مؤمنان در صدر اسلام به سبب وفاداری شدید به اهداف رهبر خویش، یعنی رسول گرامی اسلام، متحمل شدیدترین آزارها و شکنجه‌ها می‌شدند؛ مجاهدت بلال حبشی و فداکاری عمار و پدر و مادر او نمونه‌های روشنی از تعلق و وابستگی شدید به اهداف گروه مؤمنان و رهبری آنها بود.^۱

یکی از گروه‌هایی که ایمان و باور به اهداف دینی نقش به‌سزایی در موفقیت آنان داشت، گروه مهاجران به حبشه با مدیریت جعفر بن ابی‌طالب (ع) بود، پایندی و تعهد بالا به اهداف دینی در گروه بعد از تحمل فشارهای شدید و هجرت به حبشه عامل اساسی در نیل به اهداف گروهی آنان بود.^۲

در یک نتیجه‌گیری کلی از مباحث پیشین می‌توان ادعا کرد که اولاً: زمینه‌های گرایش افراد به گروه و تشکل‌های اجتماعی در سرشت خلقت آنان به ودیعه نهاده شده و نیاز به ایجاد روابط اجتماعی در آنان مشهود است، تعلق به گروه و وابستگی به آن را می‌توان در احساس امنیت افراد در سایه گروه و نیز ایمان و باورهای مشترک افراد گروه جست‌وجو کرد.

ثانیاً: ایمان و باورهای مشترک یکی از مهم‌ترین عوامل وابستگی افراد به گروه در بین تشکل‌ها و گروه‌های جوامع اسلامی محسوب می‌گردد، چرا که برخی از اعضای این گروه‌ها از علایق شخصی خود گذشته و در جهت نیل به اهداف گروهی ایثار می‌کردند.

انصار و مهاجرین، الگوهای عملی گروه‌های اسلامی

در دوره‌های نخستین حکومت اسلامی، به ویژه در جامعه مدنی عصر رسول خدا (ص) عنصر «نصرت» و «هجرت» در تشکیل گروه‌ها و ایجاد تشکل‌های اجتماعی - سیاسی نقش اساسی ایفا می‌نمودند؛ زیرا این دو عنصر، مبانی پایگاه اجتماعی افراد در آن عصر قرار گرفته و نقش سیاسی و اجتماعی آنان به وسیله این دو واژه از هم جدا شده و مشخص می‌شد.

۱. الطبقات الکبری، ج ۳، ص ۱۸۶.

۲. همان، ج ۴، ص ۲۴.

در اوایل حکومت رسول خدا(ص) براساس عنصر «نصرت» گروه انصار و بر اساس عنصر «هجرت» گروه مهاجرین به وجود آمد، با تحقق این پدیده‌های نوظهور، نظام سیاسی قبیله‌ای کم‌رنگ شده و به جای آن، جناح‌های اجتماعی و سیاسی انصار و مهاجرین جایگزین گردید.

طبیعی بود که تفکر رقابت‌های قبیله‌ای در نظام جاهلی به وسیله پیامبر(ص) رد شده و به جای آن، رقابت سالم جناح‌های سیاسی که مبتنی بر اعتماد و احترام متقابل بود، جایگزین شود.

مع‌الوصف، گاهی در رقابت‌های مهاجر و انصار همان تفکر دیده می‌شود، به طوری که برخی از مسلمانان گاهی در انتخاب هر یک از عناصر «نصرت» و «هجرت» دچار تردید می‌شدند و از پیامبر اسلام در این باره سؤال می‌کردند. رهبر بزرگوار جامعه اسلامی نیز افراد را در تعیین پایگاه اجتماعی خویش، آزاد می‌گذاشتند، برای مثال «حدیفة می‌گوید: پیامبر مرا میان نصرت و هجرت مخیر کرد و من هجرت را برگزیدم»^۱ آزاد بودن افراد در انتخاب پایگاه اجتماعی «انتخاب نصرت یا هجرت» بیانگر تأیید فعالیت گروهی و عضویت افراد در گروه‌های مزبور بوده و در عین حال نشانگر این نکته است که این دو گروه، یعنی انصار و مهاجرین و فعالیت‌های اجتماعی و سیاسی آنان در سایه چتر نبوی مورد تأیید بوده است. با این نگاه می‌توانند به عنوان الگوهای عملی گروه‌های اسلامی در نظر گرفته شوند. گروه‌های انصار و مهاجر در آن زمان تأثیر زیادی در روابط اجتماعی مسلمانان داشتند، شاید به خاطر همین بود که هر یک از مسلمانان از نظر منزلت اجتماعی خواهان عضویت در یکی از دو گروه مزبور بودند، حتی برخی از شخصیت‌ها در هر دو گروه عضویت داشتند، لذا آنان در تاریخ اسلام به «مهاجری انصاری» لقب یافتند. رافع بن مالک، عباس بن عباد و عقبه بن وهب، از جمله این افراد بودند.^۲

ممکن است گفته شود دلیل اینکه برخی از افراد هم مهاجری و هم انصاری لقب گرفته‌اند، این باشد که این اشخاص از موقعیت اجتماعی برتری در جامعه آن روز برخوردار بوده‌اند، لذا هر دو جناح و گروه خواهان ثبت اسامی این افراد در گروه‌های مزبور بوده است. با این وجود، شاید بتوان گفت که جذابیت هر دو گروه برای برخی از

۱. الاستیعاب، ج ۱، ص ۳۳۵.

۲. السیرة النبویة، ج ۲، ص ۱۰۳ و ۱۰۷.

مسلمانان و یا تأیید هر دو گروه از ناحیه رسول خدا(ص) موجب جذب افراد به گروه‌های انصار و مهاجرین باشد.

از بعضی منابع نیز استفاده می‌شود که عده‌ای از اصحاب رسول خدا(ص) به دلیل داشتن شخصیتی ممتاز مورد توجه گروه‌ها قرار گرفته و آنان سعی در جذب این افراد خاص می‌نمودند، برای مثال، سلمان فارسی شخصیت فرهیخته‌ای بود که گروه‌های انصار و مهاجر درباره عضویت وی به رقابت می‌پرداختند، لذا هر یک از این دو گروه در «جنگ خندق» بر این امر اصرار می‌ورزیدند که سلمان از گروه ما است، در اینجا بود که پیامبر اسلام با گفتن «سلمانُ منّا أهل البیت»^۱ وی را شخصیتی فراجناحی معرفی نمود.

بنابراین، اگرچه گروه‌های انصار و مهاجرین مورد تأیید رسول خدا(ص) بودند. مع الوصف از دیدگاه نبوی، برخی از شخصیت‌های ممتاز فراجناحی بوده و می‌توانستند خود، رهبر گروه‌ها تلقی گردند، خاطر نشان می‌گردد، که تأیید گروه‌های مهاجر و انصار از سوی رسول خدا(ص) در واقع الهام گرفته از آیات الهی بوده و اساساً تشکیل گروه‌های فوق ریشه در کلام وحی دارد.

خداوند متعال در توصیف گروه مهاجرین می‌فرماید:

«للفقراء المهاجرین الذین أخرجوا من ديارهم و أموالهم بیئغون فضلاً من الله و رضواناً و ینصرون الله و رسوله اولئک هم الصادقون»^۲.

«از غنایم سهمی [از آن فقرای مهاجر است که از خانه و اموالشان بیرون رانده شدند، آنها در پی فضل و خشنودی خدا هستند که خدا و رسولش را یاری می‌کنند، آنها در حقیقت راستگویانند».

در این آیه گروه مهاجرین گروهی یاد شده‌اند که خشنودی و رضایت خداوند را خواستار شده و در راستای یاری رسول خدا(ص) از خانه و کاشانه خویش مهاجرت نموده‌اند. گروه انصار نیز در کلام وحی توصیف شده و خداوند آنان را ستایش نموده است. آنجا که می‌فرماید:

«والذین تبوء الدار و الايمان من قبلهم یحبون من هاجر الیهم و لا یجدون فی صدورهم حاجةً منّا اوتوا و یؤثرون علی انفسهم و لو کان بهم خصاصةً و من یوق شح نفسه فاولئک هم المفلحون»^۳.

۲. حشر (۵۹) آیه ۸.

۱. همان، ج ۳، ص ۲۳۵.

۳. حشر (۵۹)، آیه ۹.

«آنان که پیش از مهاجرین در دیار خود بوده و ایمان آورده بودند، کسانی را که به سویشان هجرت کنند دوست دارند و در دل خود حسدی از آنچه به مهاجران داده شود، احساس نمی‌کنند و آنان را بر خود مقدم می‌دارند هر چند خود فقیر باشند، کسانی که از بخل خویش بر کنار مانده باشند رستگارند».

همان‌طور که ملاحظه می‌شود، خداوند متعال گروه انصار را نیز ستوده به اینکه «گروه انصار، مهاجرین را دوست داشته و نسبت به آنان بخل نمی‌ورزند». این موضوع، یعنی «محبت و رابطه عاطفی بین گروه‌ها» می‌تواند شاخصی مهم و اساسی در روابط میان گروه‌های اسلامی باشد، آنان اگر خواستار رضایت و خشنودی خداوند باشند باید همانند مهاجرین و انصار عمل کنند.

علاوه بر این، نکته مهمی که از آیه برداشت می‌شود این است که برای تحقق یک مجتمع دینی، همدلی و دوستی میان گروه‌های اسلامی، اساس روابط اجتماعی را تشکیل می‌دهد، علامه طباطبائی (ره) در توضیح آیه فوق می‌نویسد:

«مراد از «تَبَوُّی دار» تعمیر خانه گلی نیست، بلکه کنایه از تعمیر بنای مجتمع دینی است، به طوری که همه گروه‌های | صاحبان ایمان در آن مجتمع گردآیند و منظور از «تَبَوُّی ایمان» و تعمیر آن رفع نقایص ایمان از حیث عمل است، چون ایمان دعوت به عمل صالح می‌کند، اگر جوّ زندگی جوی باشد که صاحب ایمان بتواند عمل صالح انجام دهد در حقیقت ایمانش ناقص است و وقتی کامل می‌شود که قبلاً درست شده باشد که هر صاحب ایمانی بتواند دعوت خود را لیبک بگوید و مانعی بر سر راهش نباشد»^۱ ایجاد رابطه عاطفی از سوی انصار و محبت آنان به مهاجرین در واقع زمینه‌ساز تشکیل مجتمع دینی در مدینه بوده است، چرا که آنان، مهاجرین را برادران خود خوانده و با آغوش باز پذیرفته و حتی آنها را بر خویشان مقدم داشتند. گروه انصار، مهاجرین را به خاطر اینکه از دارکفر، به دارایمان و به مجتمع مسلمانان مهاجرت کردند، دوست می‌داشتند.^۲

از این رو، رابطه عاطفی میان گروه‌های مهاجر و انصار و نوع رفتار و کنش اجتماعی آنان، شاخصی ارزشمند برای گروه‌ها در جوامع اسلامی می‌تواند در نظر گرفته شود؛ به عبارت دیگر، اگر بخواهیم همانند گروه‌های عصر رسول خدا(ص) یک مجتمع دینی و ساختاری اسلامی بسازیم، به گونه‌ای که تمام گروه‌های اسلامی در آن گردآیند باید

۱. المیزان، ج ۱۹، ص ۲۰۵.

۲. همان، ص ۳۰۶.

همان راهی را برویم که گروه‌های انصار و مهاجرین در سایه رهبری پیامبر اکرم (ص) رفته‌اند.

به دیگر سخن، روش‌ها و روحیاتی را تقویت کرده و مشی کنیم که انصار و مهاجرین به واسطه داشتن آن خصوصیات، مورد ستایش و تحسین خداوند و رسولش قرار گرفته‌اند.

نتیجه‌گیری

به طور کلی گروه به مجموعه‌ای از افراد که با هم تعامل داشته و بر یکدیگر تأثیرگذارند، گفته می‌شود، هر گروه ویژگی‌های خاصی دارد که این خصوصیات مفید بودن آن را برای اعضا به ارمغان می‌آورد، از سوی دیگر اهمیت و ضرورت گروه را در تأثیرگذاری متقابل آدمی با گروه می‌رساند.

گروه می‌تواند در حوزه ارزش‌ها خودنمایی کرده و از ایده‌های دینی پشتیبانی کند. چنانچه گروه‌های اولیه در صدر اسلام زمینه‌های توسعه ارزش‌های الهی را فراهم نمودند خاطر نشان می‌گردد که گروه علاوه بر حوزه ارزش‌ها، در گستره سازمان و نیازهای فردی اعضا نیز مفید خواهد بود. اما آنچه به عنوان نتیجه کلی در اینجا مهم است اینکه دین در آموزه‌های خویش به گروه و فعالیت گروهی با نگرشی مثبت نگریسته و انگیزه‌های اجتماعی مشترک را که در سرشت انسان‌ها به ودیعه گذاشته شده عامل اساسی گرایش به گروه و فعالیت گروهی می‌داند.

طبیعی است که پایداری نظام اجتماعی در راستای نگهداری رشته انسانیت غرض اصلی تشکیل‌های مردمی بوده و دل‌بستگی و تعلق خاطر افراد به گروه‌ها در بستر روابط اجتماعی تفسیر می‌گردد؛ عامل این وابستگی می‌تواند امنیت، باورها و اعتقادات مشترک باشد.

در الگوهای عملی گروه‌های اسلامی آنچه موجب حفظ نظام اجتماعی در صدر اسلام گردید و موجب این شد که گروه‌های انصار و مهاجرین به عنوان الگوهای راستین در فرهنگ قرآنی مطرح شوند، نوع عملکرد این گروه‌ها و زمینه‌سازی آنان برای تشکیل مجتمع دینی و جلب رضایت و خشنودی خداوند بود. از این رو، ایجاد رابطه عاطفی میان گروه‌های مهاجر و انصار و نوع رفتار اجتماعی آنان و گذشتن از علایق فردی و تمسک به باورهای ایمانی، عناصری ارزشمند در گستره تشکیل یک مجتمع دینی بوده و خواهد بود.

فهرست منابع و مآخذ

۱. قرآن.
۲. نهج البلاغه
۳. ابن هشام، السيرة النبوية، [ابن جاب، [ابن تا]، ۱۳۶۳.
۴. ابن سعد، الطبقات الكبرى، بیروت، دارصادر [ابن تا].
۵. ابی عمر یوسف بن عبدالله، الاستیعاب فی معرفة الاصحاب؛ بیروت، دارالجمیل، ۱۴۱۲.
۶. طباطبائی، محمدحسین، المیزان فی تفسیر القرآن، قم، دفتر انتشارات اسلامی، ۱۳۷۱.
۷. مجلسی، محمد باقر، بحار الانوار، بیروت، دار احیاء التراث العربی، ۱۴۰۳ ق.
۸. آیتی، محمد ابراهیم، تاریخ پیامبر اسلام، تهران، انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۶۶.
۹. رضائیان، علی، مدیریت رفتار سازمانی، تهران، سمت، ۱۳۷۹.
۱۰. منتظرالقائم، اصغر، نقش قبائل یمنی در حمایت از اهل بیت (ع)، قم، دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم، ۱۳۸۰.
11. Baron. A. Robert and Geegenberg Jerald; Behavior in Organizations; under standing and Managing the Human side of workbred, Boston Allyn, 1989.
12. Huczynski, Anderzej; and David Buchanan; organizational Behavior; NewYork, Prentice _ Halluk Ltd, 1985.
13. Schermerhorn, R. John, James. G. Hunt Richard. N, Osborn; organizational Behavior; NewYork; John Wiley, 1997.